خبر

حراج باران با ۹۴ اثر هنری

● **گروه هنر:** چهارمین حراج تخصصی خط و خوشنویسی، هنرهای ایرانی و اسلامی «باران» با ارائه ۹۴ اثر هنری و اشیای کاربردی عصر جمعه ۲۴ آبان در مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن برگزار می‌شود. محبوبه کاظمی‌دولابی، بنیان‌گذار و مدیر حراج باران با اعلام خبر فوق گفت: «بنا بر رسم هرساله، این رویداد به یکی از بزرگان هنر والای خوشنویسی ایران تقدیم می‌شود که چهارمین دوره به جایگاه یگانه استاد محمدحسین عمادالکتاب‌القزوینی ادای احترام می‌کند». کاظمی افزود: «بخش نمایشگاهی حراج که مجوزهای آن از دو وزارتخانه صنایع‌دستی، میراث فرهنگی و گردشگری و فرهنگ و ارشاد اسلامی اخذ شده، عصر سه‌شنبه بیست‌ویکم آبان در مکان یادشده آغاز به کار می‌کند و تا پنجشنبه در معرض تماشای علاقه‌مندان خواهد بود». در این دوره ۷۱ اثر کهن که قدمت برخی‌شان به بیش از یک قرن می‌رسد، آثاری که از سده دوم هجری قمری تا دوره‌های تیموریه، صفویه، افشاریه، زندیه تا قاجار را در بر می‌گیرد و هر یک زوایای پنهان از بزرگی هنر ایرانی- اسلامی را بازتاب می‌دهند، در کنار ۲۳ اثر معاصر که نمونه‌هایی شاخص از کارهای اساتید مبرز و نیز جوانان تثبیت‌شده هستند به دوستداران هنر پیشنهاد می‌شود. چهارمین حراج باران با کلکسیونی از خوشنویسی‌های آیات مکرم قرآن مجید آغاز می‌شود که پیاپی روی میز حراجی می‌روند و شکوه ارادت هنرمندان ایرانی به دین مبین اسلام را به نمایش می‌گذارند. نخستین اثر «مرغ بسم‌الله» اثر «عبدالحسین قزوینی» (مرکب دست‌ساز روی کاغذ دست‌ساز) قدمتی ۱۳۴ساله دارد که قیمت پیشنهادی آن ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان است. دومین اثر قطاعی «بسم‌الله» متعلق به «احمد تفرشی» اثری ۱۳۶ساله است که جلوه‌ای از نام متبرک خداوند متعال را در کاغذی کوچک منقش کرده و ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است. «غبارنویسی آیات» اثر «محمدجعفر تبریزی» با قدمت ۳۳۸ ساله سومین اثری است که روی میز حراجی با قیمت ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیون تومان ارائه می‌شود. به همین ترتیب برگ نفیسی از قرآن با خط کوفی، هفت‌سطری دورویه که در سده دوم و سوم هجری قمری با مرکب دست‌ساز روی پوست آهو خلق شده ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان، برگ دیگری از قرآن با خط کوفی ۱۴سطری که در قرن سوم و چهارم هجری قمری خلق شده ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان و برگ ارزشمندی از قرآن مربوط به سده پنجم و ششم هجری قمری با خط کوفی ۱۲سطری دورویه ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان ارائه می‌شود. پنج برگ شاهنامه بسیار خاص که در دوره تیموری و با خط نستعلیق خلق شده ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان، خط‌نقاشی گلزار اثری از حسن زرین‌قلم که ۱۲۰ساله است ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان، تصویر معراج حضرت رسول مکرم اسلام (ص) همراه با غبارنویسی اثر محمدابراهیم زرین‌قلم که ۱۳۲ساله است ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلیون تومان پیشنهاد شده است. در این حراج، چهار جلد کتاب خطی بسیار نفیس نیز به خریداران آثار هنری که شامل یک جلد کلام‌الله مجید بسیار ارزشمند اثر وقار شیرازی با خط نسخ، تحریر و مرکب مشکی با تذهیب طلا روی کاغذ دست‌ساز است که در سال ۱۲۰۸ هجری قمری مزین شده، ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان ارائه و کتاب ۲۱۶ساله مثنوی شیرین و فرهاد، خط‌نوشته محمدرضا ابن ضیاءالدین، کتاب دعای دوره قاجار و کتاب منشأت دوره افشاریه هم با قیمت‌های متنوع عرضه می‌شود. مرور بخش کهن این دوره حراج باران نشان می‌دهد نمونه‌هایی منحصربه‌فرد از نخبگان خط ایران از دوره‌های درخشان تمدن ایرانی- اسلامی مانند میرزاغلامرضا اصفهانی، درویش عبدالمجید طالقانی، محمدحسین عمادالکتاب، میرزااحمد نیریزی، میرحسین تبریزی، میر سیدحسین، صدرالکتاب، علی شیر، واله اصفهانی، علی‌اکبر گلستانه و... را از مجموعه‌های معتبر خصوصی گرد هم آورده است. دو اثر در این حراجی بالاترین برآورد قیمت را به خود اختصاص داده‌اند: یک نقاشی مینیاتور و خط که چهره نواب اکبری‌بیگم (زوجه پادشاه هندوستان) را منقش کرده و توسط هنرمند هندی در دوره زندیه خلق شده پنج تا شش میلیارد تومان تخمین زده شده و اثر بسیار خاص خوشنویسی منشور حقوق بشر کوروش اثر حسین نیک‌طلب که حاصل هشت سال کار این هنرمند است و با خوشنویسی و هنر فیروزه‌کوبی روی عقیق تابلویی ۶۵کیلویی خلق شده و هشت‌کیلو ۳۰۰ گرم فیروزه و هجده‌و نیم کیلو عقیق در آن به کار رفته، دو تا دوونیم میلیارد تومان برآورد قیمت داشته است. در کنار این آثار هنری ۱۱ شیء کاربردی که منقش به زیباترین خط‌نوشته‌های ایرانی- اسلامی است نیز عرضه می‌شود؛ از بازوبند قرآنی تا مهر، کلاه، ادوات جنگی، عصا، ظروف و... و سه انگشتری که گران‌بهاترینشان انگشتری آیه‌الکرسی اثر حسین یساول است و ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان برآورد قیمت شده است. همچنین در چهارمین حراج «باران» ۲۳ اثر از نمونه‌هایی شاخص از هنر معاصر خط و هنرهای ایرانی- اسلامی عرضه می‌شود که نام‌های پرآوازه‌ای همچون استاد غلامحسین امیرخانی، رضا مافی، کیخسرو خروش، علی‌اشرف صندوق‌آبادی، یدالله کابلی، فرامرز پیلارام، ناصر اویسی و... و جوان‌ترها محمدرضا توابی، عین‌الدین صادق‌زاده و... بر آنها رقم خورده است.

رئیس سازمان رگولاتوری صوت و تصویر درباره vod گفت

وظیفه ما سانسور نیست

گروه هنر: رئیس سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر فضای مجازی (ساترا) تأکید کرد: «ما فقط تنظیم‌گر محتوا نیستیم. ما تقریبا هیچ سانسوری انجام نمی‌دهیم. مسئولیت حوزه محتوا برعهده صاحبان رسانه‌هاست، ضمن اینکه تا جایی که بتوانیم مقررات جدید نمی‌گذاریم، بلکه مقررات‌زدایی هم می‌کنیم».

او درباره نوع ممیزی در «ساترا» بیان کرد: «تنظیم‌گرها در حوزه رسانه فقط محتوایی عمل نمی‌کنند، بلکه خدمات رسانه‌ای وجوه مختلفی، از جمله مالکیت، اطلاعات شخصی و... دارد. البته در دنیای امروز فیک‌نیوز، تبلیغات سیاسی، قطبی‌سازی جهان و... مطرح می‌شود و اگر نیاز باشد مقررات جدید خواهیم داشت».

سیدمحمدصادق امامیان در نشست خبری روز گذشته با بیان اینکه درحال‌حاضر با دنیای رسانه‌ای متحولی مواجهیم که هم از منظر تکنولوژی و هم از منظر محتوا متکثر است، گفت: «این امر منجر به احساس نیاز به سازمان برای تنظیم‌گری از نظر محتوا، نوع مخاطب و نوع اداره‌کنندگان شده است». او با اشاره به اینکه در دنیای جدید با مفهوم همگرایی رسانه‌ای مواجه هستیم، تصریح کرد: «رسانه‌های جدید رسانه‌هایی نیستند که فقط بخش خاصی از جامعه را دربر بگیرند و تقریبا در همه بخش‌ها ادغام صورت‌گرفته باعث شده که ما نیازمند ساختارهای جدیدی باشیم».

رئیس ساترا ادامه داد: «در رسانه‌های صوتی و تصویری مبتنی‌بر اینترنت، عملا بخش اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما و بخش اپراتورهای مخابراتی همه به نحوی در رسانه‌های جدید تداخل دارند. این تداخل هم جنبه ساختاری، هم جنبه مدیریتی و هم جنبه مقرراتی دارد». امامیان با اشاره به تحولات حوزه صوت و تصویر در دنیا گفت: «رگولاتورهای صوت و تصویر در دنیا یک قانون مادر دارند که در اروپا به AVMSD معروف است و حاصل این تحول است. دنیا نهادهایی را به‌عنوان نهاد رگولاتور برای این حوزه مشخص کرده است». رئیس سازمان رگولاتوری در ادامه عنوان کرد: «VODها زیرمجموعه صوت و تصویری سازمان‌های تنظیم‌گر هستند و باید پاسخ‌گو باشند، چون رسانه جدیدی را نمایندگی می‌کنند که مسئولیت محتوایی آن را دارند». او افزود: «در کشور ما با رسانه صداوسیما مواجه هستیم که طبق قانون اساسی یک رسانه در اختیار حاکمیت است. طبق تصمیمی که در سطوح کلان کشور گرفته و به رئیس شورای‌عالی فضای مجازی در سال ۹۴ ابلاغ شد، جمهوری اسلامی ایران رسانه‌های خصوصی را به رسمیت شناخت و تصمیم به حمایت از آنها گرفت». امامیان ادامه داد: «با این اتفاق، رسانه‌های صوتی و تصویری جدید بخش خصوصی به رسمیت شناخته شدند و بخشی از سبد رسانه‌ای ملی جمهوری اسلامی ایران را شامل شدند که در چارچوب مقررات ملی اجازه فعالیت دارند و حاکمیت از آنها حمایت می‌کند». رئیس سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی درباره رقابت با صداوسیما عنوان کرد: «یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های همه تنظیم‌گران شفافیت و بی‌طرفی است، اما این امر به طور مطلق امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس باید بدانیم که رسانه ملی نباید رقیب بخش خصوصی باشد. رسانه‌های ملی در همه‌جای دنیا سخت‌گیری‌های خود را دارند. اما این سخت‌گیری بر رسانه‌های دیگر اعمال نمی‌شود و همین مانع رقابت می‌شود. ما سعی کردیم سازمانی مبتنی‌بر مقررات واضح داشته باشیم و حمایت‌ها و... بی‌طرفانه باشند. ضمن اینکه هر تصمیمی که اینجا گرفته می‌شود قابلیت تجدیدنظر در دستگاه قضائی را دارد. نکته دیگر این است که تمام نهادهای تنظیم‌گر صددرصد مستقل نیستند و همه یک ریشه سازمانی دارند». او ادامه داد: «سازمان صداوسیما برنامه پخش عمومی است که باید محتوای رسانه‌ای را در حالت‌های تکنولوژیک قابل دسترسی در خانه‌ها به مردم تحویل دهد، اما این وظیفه جدید که سازمانی برای آن تشکیل شد، از معاونت‌های محتوایی صداوسیما متفاوت است که یک وظیفه کاملا حاکمیتی است. این فرایند با شاخصه‌های مرتبط با آن که به‌رسمیت‌شناختن رسانه‌های خصوصی، حمایت از آنها، رقیب‌ندیدن آنها و در یک کشتی‌نشستن با این رسانه‌هاست، تعریف می‌شود؛ به این معنا که با تمام این رسانه‌ها در مقابل آن چیزی که در دنیا اتفاق می‌افتد، باید یک جبهه مشترک تشکیل دهیم». رئیس سازمان رگولاتوری صوت و تصویر فراگیر فضای مجازی نیز بیان کرد: «در کشور قدرتمندی از نظر رسانه‌ای مانند انگلستان، بالای ۶۰ درصد مردم در سال ۲۰۱۹ در یک سرویس رسانه‌ای VOD ثبت‌نام کردند که بالای ۹۷ درصد این بازار در اختیار شرکت آمریکایی نتفلیکس و آمازون پرایم است. این آمار در رسانه‌های کاربرمحور بسیار بدتر می‌شود. یوتیوب در غالب کشورهای دنیا بالای ۹۴ درصد نفوذ دارد و امپراتوری فیس‌بوک هم که همه دنیا درباره آن اظهار نگرانی می‌کنند». او تأکید کرد: «در دنیای امروز غالب کشورها نگران هویت ملی، رسانه‌ها، اقتصاد و فرهنگ تولیدات محتوای رسانه‌ای هستند. دغدغه ما این است که رسانه ملی، مخاطب ملی را پوشش دهد و رسانه ملی فقط برنامه‌های پخش عمومی نیستند و هرکسی که در این حوزه تولید محتوا و خدمت می‌کند، برای ما ارزشمند است و حاکمیت هم وظیفه حمایت از طریق این سازمان را دارد؛ به‌طوری‌که در یک‌سال‌ونیم گذشته، ۷۳ مجوز صادر کردیم و ۱۵۰ تقاضای درخواست مجوز داریم». امامیان با اشاره به رویه‌های رگولاتوری در سازمان اظهار کرد: «نظارت سازمان در بخش VODها به سه صورت از سوی خود سازمان، رصد سازمان‌های مردم‌نهاد و شکایت‌های مردمی صورت می‌گیرد». او تأکید کرد: «ما به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده تقریبا هیچ‌گونه ممیزی و سانسوری انجام نمی‌دهیم و اصل مسئولیت برعهده صاحبان رسانه است. در واقع اصل بر مقررات‌زدایی است و فقط در مواردی که خلأ قانونی در کشور وجود داشته باشد، نهاد تنظیم‌گر ورود می‌کند». او با تأکید بر تفاوت‌های بنیادین صداوسیما و رسانه‌های خصوصی گفت: «یکی از دغدغه‌های اصلی تنظیم‌گران، شفافیت و بی‌طرفی است که به طور مطلق امکان‌پذیر نیست؛ بااین‌حال با توجه به تغییراتی که اتفاق افتاده است، رسانه ملی نباید با دید رقیب‌مآبانه به رسانه‌های جدید نگاه کند». امامیان درباره نحوه ورود دستگاه قضا در موضوع تنظیم‌گری توضیح داد: «نهادهای تنظیم‌گر پیش از دستگاه قضا به موضوعات و مسائل پیش‌آمده ورود و رسیدگی می‌کنند و اگر نتیجه حاصل نشد یا شکایتی بود، دستگاه قضا برای رسیدگی ورود می‌کند». او درباره آخرین وضعیت دریافت مجوز VODها گفت: «با همه رسانه‌های خصوصی مذاکره داشتیم، چندین رسانه VOD و AOD تقاضامحور و کاربرمحور مجوز دریافت کرده‌اند، برخی از این رسانه‌ها دغدغه‌هایی داشتند که با مذاکره حل شد؛ اما برخی از این رسانه‌ها اقدامات اولیه دریافت مجوز را دریافت نکرده‌اند و در این موارد، اگر رسانه‌ای برای دریافت مجوز اقدام نکند، قوانین و مقررات کشور حدود را مشخص می‌کند». او افزود: «ما هیچ تداخل سنتی با دیگر نهادها نداریم. شبکه نمایش خانگی و سازمان سینمایی کار و نظارت خود را انجام می‌دهند؛ اما سازمان ما در رسانه‌های فراگیر مسئولیت دارند. ما در حوزه مالکیت فکری از محدوده قوانین فعلی کشور فراتر نمی‌رویم». امامیان تصریح کرد: سایت‌های دانلود در ابتدا حرفه‌ای نبودند؛ به‌همین‌دلیل ما باید خیال‌مان راحت باشد که هرکسی توان حرفه‌ای و مدیریتی خود را می‌شناسد. سازمان سینمایی و شبکه نمایش خانگی مسئولیت خود را انجام می‌دهد و ما ورودی به کار آنها نداریم. ما هیچ‌گونه تداخل سنتی با دیگر نهادها نداریم. شبکه نمایش خانگی و سازمان سینمایی کار و نظارت خود را انجام می‌دهند؛ اما سازمان ما در رسانه‌های فراگیر مسئولیت دارد. ما در حوزه مالکیت فکری از محدوده قوانین فعلی کشور فراتر نمی‌رویم». همچنین او با اشاره به سخنان روز گذشته وزیر ارتباطات در یزد که گفته بود فیلترینگ سایت‌های دانلود فیلم به شکایت سازمان صداوسیما بوده، اظهار کرد: «بنده با آقای جهرمی رفاقت و همکاری خوبی دارم. ایشان را چند وقتی است ندیده‌ام و اطلاعات‌مان را با هم به‌روز نکرده‌ایم. من خبر فیلترینگ سایت‌های دانلود فیلم را از طریق رسانه‌ها در زمانی که در سفر بودم، شنیدم و با صحبتی که با دادستانی داشتیم، مشخص شده که آنها براساس رویه خود و براساس هشدارهای قبلی به این سایت‌ها، اقدام به مسدودکردن کرده‌اند. البته بعد از این مسئله و برای حل مشکل «ساترا» وارد عمل شد و با تفاهم با دادستانی و رایزنی با این سایت‌ها، اقدام به اعطای مجوز به آنها و دادستانی هم فیلترینگ آنها را لغو کرد». امامیان درباره موضوع مسدودکردن سایت‌های دانلود فیلم و سریال گفت: «اینکه یک سایت خدمات دانلود فیلم را ارائه دهد، مسئله و مشکلی ندارد؛ بلکه باید از نظر محتوایی و کپی‌رایت داخلی، مشکل نداشته باشد و همین مسئله باعث شده بود تا دادستانی کل کشور دستور مسدودکردن آنها را بدهد». رئیس ساترا در پایان گفت: «تاکنون ۵۳ سایت دانلود فیلم درخواست مجوز داشته‌اند و درحال‌حاضر چهار سایت با مجوز فعالیت می‌کنند».

جایگاه استعدادهای نو در سینما- بخش نخست

چگونه هنرمندان در سینما جاودانه می‌شوند

پیام بهاری: پرده سینما همانند ویترینی زیباست. در گذر زمان کالاهای خوب منسوخ نمی‌شوند و برای خریداران همیشه جذاب می‌مانند. خریدارانی هم هستند که مد فصل را دنبال می‌کنند و با تغییر و دگرگونی مد روز، به دنبال ویترینی نو می‌گردند. عوامل هنری خبره سینما در گذر زمان، نامشان در تاریخ باقی می‌ماند و همانند قالی کرمان که هرچقدر پا بخورد مرغوب‌تر می‌شود، آنها هم در این مسیر روزبه‌روز اعتبار بیشتری پیدا می‌کنند. در پی آن، نام‌های نوظهور همراه با خواسته‌های نسل جدید از راه می‌رسند و برای تماشاگران سینما، جذابیت‌های بیشتری را فراهم می‌کنند. دیوارهای خانه، برای نسل‌های مختلف با رنگ‌ها، عکس‌ها، دل‌نوشته‌ها و دغدغه‌های زمان خود تزئین می‌شوند. زمانی همفری بوگارت در قامت یک مرد اتوکشیده کراواتی کلاه‌به‌سر یا مریلین مونروی جذاب، در این دیوارها نقش می‌بستند. کمی بعدتر مارلون براندوی افسارگسیخته از درون جامعه ظهور می‌کند و دیوارها را به تسخیر خود درمی‌آورد. مدتی بعد، در بحبوحه جنگ ویتنام، خرده‌فرهنگ‌های جنبش‌های اجتماعی- هیپی- به وجود می‌آیند؛ پینک‌فلوید و بیتلزها به جامعه معرفی می‌شوند. این نگاه جهان‌شمول را می‌توانیم به خاطرات نسل مردم ما هم تعمیم دهیم. در کنار چهره‌های بین‌المللی و تنوع قهرمان‌های نوظهور در هر سال، چهره‌هایی از زمان به‌کارگیری دستگاه آپارات در سالن‌های سینمای ایران شناخته شدند که با تغییر ذائقه نسل‌ها روی دیوارهای خاطرات مردم نقش می‌بستند. مدتی ناصر ملک‌مطیعی، بهروز وثوقی، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، پوری بنایی و ... خاستگاه عکس‌های سیاه‌وسفید آلبوم‌ها و دیوارهای خانه می‌شدند. در زمانی دیگر، بهرام بیضایی، سوسن تسلیمی، جمشید هاشم‌پور، ابوالفضل پورعرب و نیکی کریمی از راه رسیدند و اکنون نسل جدیدتر، در دیوارهای مدرن‌شده- اینستاگرام، فیس‌بوک، تلگرام- جواد عزتی، نوید محمدزاده، امیر جدیدی، بهنوش طباطبایی و... را دنبال می‌کند. نسل جدید بر اساس نیازهای جامعه‌شناسی، بوم‌شناختی و نیازهای مبرم دگردیسی، قهرمان‌های تازه را مطالبه می‌کند. وظیفه یک جامعه برآورده‌کردن نیازهای هر فردی با سلایق منحصر به اوست. تهیه و تولید خوراک لازم برای دغدغه‌های فکری هر نسل می‌تواند مسئولیت یک جامعه فرهنگی و نوگرا باشد. اما نکته‌ای تأمل‌برانگیز در این موضوع وجود دارد؛ روند ظهور ستاره‌ها و قهرمان‌های نوآمده در سینمای کشور، به کندی و با تأنی پیش می‌رود. نیکی کریمی با فیلم «وسوسه» (جمشید حیدری، ۱۳۶۸) به سینما معرفی شد. سال‌های زیادی گذشت تا هدیه تهرانی با فیلم «سلطان» (مسعود کیمیایی، ۱۳۷۵) به‌عنوان یک چهره، مردم با آن آشنا شدند. این بازه زمانی، حفره‌ای طولانی است تا چهره‌های نو به سینما شناخته شوند. همان‌طور در بازیگران مرد، بعد از حضور بیژن امکانیان (آفتاب‌نشین‌ها، ۱۳۶۰)، جمشید هاشم‌پور (حضور فعال در سال ۱۳۶۰) و پرویز پرستویی (دیار عاشقان،۱۳۶۲)، چندسالی گذشت تا ابوالفضل پورعرب (عروس، ۱۳۶۹)، فریبرز عرب‌نیا (وصل نیکان، ۱۳۷۰)، محمدرضا فروتن (مرسدس، ۱۳۷۶) بهرام رادان (شور عشق، ۱۳۷۹)، حامد بهداد (آخر بازی، ۱۳۷۹) شهاب حسینی (رخساره، ۱۳۸۰)، نوید محمدزاده (در میان ابرها، ۱۳۸۷) معرفی شدند. به سال‌های اولین حضور این چهره‌ها و تفاوت چندساله دیده‌شدن آنها نسبت به هم توجه کنید. اختلاف زمانی، بر این نکته صحه می‌گذارد که ما دیربه‌دیر صاحب یک چهره نو در پرده‌های عریض سینما می‌شویم، در ضمن هرکدام از این هنرمندان، به مدت طولانی نمی‌توانند گیشه سینما را تضمین کنند (خودخواسته یا به جبر سینمایی کم‌کار می‌شوند). اولین سؤالی که در ذهن خوانندگان این یادداشت مطرح می‌شود این است که آیا خروجی مراکز آموزشی و متقاضیان برای ورود به این رشته آن‌قدر انگشت‌شمار و قلیل است که تغذیه نیروی انسانی سینما را با مشکل مواجه کرده؟ می‌توانیم دلایل ممانعت از حضور چهره‌های جدید را مورد بررسی قرار دهیم.

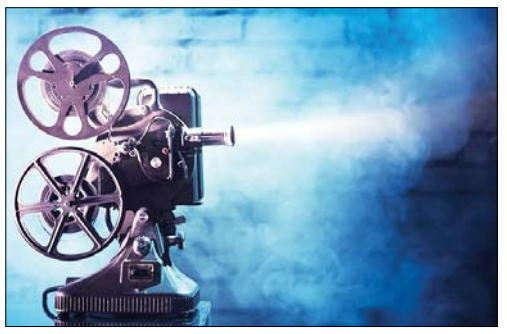

خانواده

خانواده نقشی تعیین‌کننده در رشد و هدایت استعدادهای فرزندان دارد و با درک و حمایت صحیح می‌تواند در رشد و نمو آنها در راهی که استعداد آن را دارند تاثیر بسزایی بگذارد. یکی از معضل‌هایی که جامعه با آن روبه‌روست، نقشه راهی است که خانواده برای فرزندان ترسیم می‌کند. هر فردی به موجب استعدادهایش به رشته‌ای علاقه دارد، اما نگرانی خانواده درباره مسائل مالی و دغدغه شغل آینده برای فرزندان، آنها را مجاب می‌کند که رشته دیگری برای مطالعه در دانشگاه یا شغل آزاد پی بگیرند. در یک دوره همه به رشته عمران سوق داده می‌شوند و بعد از اشباع آن، به سوی پزشکی می‌روند و به همین ترتیب این چرخه ادامه می‌یابد. ولی خطری که در این میان جامعه با آن مواجه می‌شود، نادیده گرفته‌شدن علاقه و استعداد فرزندان است که این خود باعث ازبین‌رفتن سرمایه‌های کشور در آینده می‌شود. مثلا لئوناردو دی‌کاپریو در ۱۹ سالگی با فیلم «چه چیزی گیلبرت گریپ را آزار می‌دهد؟» کاندیدای جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد، اما حمایت جامعه و خانواده از او کاسته نشد و آنچنان پیش رفت تا اینکه به چهره‌ای بین‌المللی و پول‌ساز برای سینمای آمریکا مبدل شد.

مدارس و کانون‌های استعدادیابی

در جایی که زندگی می‌کنید چند مکان تخصصی می‌شناسید تا استعدادهای کودکان، نوجوانان و جوانان را کشف کنند؟ در پاراگراف بالا اشاره شد خانواده‌ها باید با حمایتشان این روند را هموار کنند. ولی اگر خانواده‌ای دغدغه علاقه فرزندش را داشته باشد، چگونه می‌تواند این مسیر را شناسایی و هدایت کند؟ آنها که علم این کار را ندارند. مدارس و کانون‌های فرهنگی می‌توانند با به‌کارگیری افراد متخصص به همراه امکانات لازم، زمینه کشف استعدادها را فراهم کنند. عباس کیارستمی چگونه در زمینه کارگردانی رشد کرد؟ سال ۱۳۴۹ با دعوت کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به آنجا رفت و با فراهم‌شدن شرایط فیلم‌سازی برای او، اولین فیلمش، فیلم «کوتاه نان و کوچه» را ساخت و سالیان بعد یکی از چهره‌های با اعتبار سینمای جهان شد. وظیفه این مراکز آموزشی، کشف، زمینه‌سازی و بهادادن به استعدادهای ناب است.

دانشگاه‌ها و آموزشگاه سینمایی

مؤسسه آموزشی اکتورز استودیو (Actors Studio) در سال ۱۹۴۷ کار خود را در آمریکا با هدف آموزش به هنرجویان آغاز کرد. اگر نگاهی به دانش‌آموختگانی که در این مکتب پرورش یافتند بیندازیم، نام‌هایی مانند داستین هافمن، مونتگومری کلیفت، جک نیکلسون، جیمز دین، مریلین مونرو، پل نیومن، مارلون براندو، آل پاچینو، رابرت دنیرو و جین هاکمن کارنامه موفقی برای این آموزشگاه بوده‌اند. به فهرست اسامی دقت کنید! هر کدام از این اسامی نقش پررنگی در دیده‌شدن سینمای آمریکا داشته‌اند. در نظام آموزشی ما، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های سینمایی مانند قارچ در این سال‌ها رشد کرده‌اند. کیفیت فدای کمیت شده است. ارائه مدرک با دریافت وجه در این سیستم آموزشی، هدف اول سرمایه‌گذارانی شده است که به ادعای خودشان فرهنگ را نشانه گرفته‌اند تا به بهبود شرایط کمک کنند. هرچند دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های معتبر هم داریم ولی تعداد آنها به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. از سوی دیگر، یک هنرجو برای حضور در کلاس‌های معتبر باید شهریه سنگینی متقبل شود که این باعث می‌شود هنرجویی با شرایط مالی ضعیف‌تر، از چرخه آموزش خارج شود. مراکز آموزشی باید از طریق جذب استادان معتبر، ایجاد فضاهای تمرین کافی، تهیه امکانات مناسب و تسهیل شرایط مالی برای آموزش هنرجویان کیفیت خود را ارتقا بخشند تا خروجی‌های موفق‌تری برای سینما و تئاتر داشته باشیم. صرف مدرک‌دادن دردی را دوا نمی‌کند. برای مثال یکی از مسائل بغرنجی که سینمای ایران با آن مواجه است، حوزه فیلم‌نامه‌نویسی است. چرا فیلم‌نامه‌ها ضعف دارند؟ به این علت که هنرجویان آموزش مناسبی نمی‌بینند و این نکته مستلزم این است که مراکز آموزشی حرفه‌ای‌تر عمل کنند.

تهیه‌کنندگان و تولیدکنندگان

تهیه‌کنندگان و تولیدکنندگان نقش پررنگی در شکوفایی و دیده‌شدن استعدادها و چهره‌های بدیع دارند، زیرا این اشخاص مناسبات مالی لازم برای خلق اثر را فراهم می‌کنند. براساس قواعد حرفه‌ای، دست کارگردان برای انتخاب بازیگر (کستینگ) باز است. تهیه‌کنندگان در جاهایی اگر حرفه‌ای رفتار کنند برای انتخاب بازیگر، به کارگردان پیشنهاد می‌دهند و در جاهایی رفتار حرفه‌ای نداشته باشند، نظراتشان را تحمیل می‌کنند. اکنون که این چرخه در معرفی بازیگران اعمال می‌شود، باید از آنها تقاضا کنیم به این نکته توجه کنند، اکنون که رضا عطاران، جواد عزتی، شهاب حسینی و حامد بهداد به گیشه و فروش فیلم‌هایتان کمک می‌کنند، روزی را به یاد آورید که آنها هنوز چهره نبودند و به دفاتر شما رفت‌وآمد می‌کردند، اما ریسک‌ناپذیری و ترس از شکست در گیشه، دلیل بر آن می‌شد که شانسی برای بازی در فیلم‌هایتان به آنها ندهید. ولی حالا برای همکاری و حضورشان در فیلم‌هایتان بسیار مشتاق هستید. بهادادن به هنرجویان با استعداد باعث می‌شود هر کدام سیل طرفداران خودشان را به سینماها بیاورند. یک نگاه به فیلم‌های اجتماعی خوب «سرخ‌پوست»، «متری شیش‌ونیم» و «درساژ» بیندازید تا متوجه شوید ساخت فیلم اجتماعی باکیفیت باعث می‌شود مردم از آن استقبال کنند، ضمن اینکه فروش مناسبی را هم تضمین می‌کنند. جوانانی مانند نیما جاویدی، سعید روستایی، پویا بادکوبه و خیلی‌های دیگر را جدی‌تر بگیرید. این افراد استعدادهایی هستند که با اعتماد به آنها، سینمای بی‌جان ما کمی تکان می‌خورد.

ادامه دارد

زیر درختان زیتون

واکنش دختر ابتهاج به آلبوم «افسانه چشم‌هایت»

این شعر از سایه نیست!

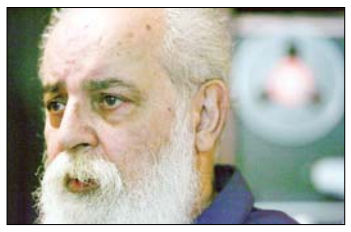

● **گروه هنر:** یلدا ابتهاج پس از انتشار آلبوم مشترک همایون شجریان و علیرضا قربانی که شاعر یکی از شعرهایش هوشنگ ابتهاج معرفی شده است، نوشت: «این شعر از سایه نیست!». او با بازنشر متن قطعه «افسوس» از آلبوم «افسانه چشم‌هایت» همایون شجریان و علیرضا قربانی که به‌تازگی منتشر و شاعر آن قطعه ابتهاج معرفی شده است، در صفحه شخصی اینستاگرام خود نوشت: «باز هم بی‌دقتی! در جایی که کتاب شعر شاعر موجود است، چرا این همه بی‌دقتی، نمی‌دانم. این شعر از سایه نیست! دو بیت آن هم از فریدون مشیری است. ظاهرا در عصر ما اینترنت محل و امکان خوبی است برای به‌دست‌آوردن اطلاعات، اما یقینا خیلی از این اطلاعات درست نیست و کنترلی هم بر این امر نیست. دوستان عزیز در مورد سایه باید گفت او کم‌شعرترین شاعر دوران ماست و تنها سه کتاب از او موجود است: سیاه‌مشق (اشعار کلاسیک)/ تاسیان (شعر نو)/ بانگ نی (منظومه مثنوی)».

دوسالانه سرو نقره‌ای صنفی است

● **گروه هنر:** نشست خبری ششمین دوسالانه انجمن طراحان گرافیک ایران روز گذشته، ۲۰ آبان، با حضور محسن سلیمانی؛ دبیر این رویداد هنری، مهدخت دارابی؛ دبیر انجمن طراحان گرافیک، فاطمه کرکه‌آبادی؛ رئیس انجمن طراحان گرافیک، مهدی فاتحی؛ مدیر هنری، مسعود سپهر، مازیار زند و مهرداد احمدی؛ اعضای هیئت‌مدیره و شورای سیاست‌گذاری سرو نقره‌ای در خانه هنرمندان شماره ۲ برگزار شد. در ابتدای این نشست فاطمه کرکه‌آبادی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، با اشاره به برگزاری این رویداد هنری گفت: «دوسالانه سرو نقره‌ای محل نمایش کارهای تولیدی طی دو سال فعالیت اعضای انجمن است که قبلا هر سال برگزار می‌شد، اما چهار دوره است که به صورت دوسالانه برگزار می‌شود. در دوسالانه ششم، در این رویداد هنری از هر یک از اعضا یک تا سه اثر به نمایش گذاشته می‌شود». محسن سلیمانی نیز درباره تأثیر این رویداد فرهنگی نیز گفت: «انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران جزء اولین انجمن‌هایی بود که ثبت شد و به صورت حرفه‌ای فعالیت خودش را انجام داده و یکی از اهداف ما این است که نمایشگاه‌ها و دوسالانه‌هایی برای عرضه و ترویج و نمایش آثار اعضای خودمان داشته باشیم. همچنین از دیگر اهدافمان این است که این آثار را به نمایش عمومی بگذاریم تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. باید توجه داشت با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، در این سال‌ها سفارش به طراحان گرافیک کمتر شده است و به همین دلیل ما سعی داریم با برگزاری دوسالانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مردم را ترغیب کنیم تا آثار را ببینند و این اتفاق باعث تقویت سلیقه سفارش‌دهندگان و مردم شود». جوان‌گرایی در هیئت داوری سرو نقره‌ای از دیگر نکات مطرح‌شده در نشست بود. سلیمانی با تأکید بر این بخش گفت: «حضور پیش‌کسوتان و جوانان در داوری این دوره از دیگر نکات قابل‌تأمل است، چراکه عمیقا به جوان‌گرایی معتقدیم و سعی کردیم به این سمت حرکت کنیم». مسعود سپهر، عضو شورای سیاست‌گذاری دوسالانه سرو نقره‌ای هم تعداد اعضای انجمن را هزارو ۷۰۰ نفر ذکر و اشاره کرد که در دوره‌های پیشین معمولا ۵۰ تا ۶۰ درصد از اعضا در این رویداد حضور فعالی داشتند و به نظر می‌رسد با پایان زمان ارسال آثار امسال هم شاهد حضور پررنگ اعضا باشند. چگونگی حمایت مادی از این رویداد پرسشی بود که مطرح شد. سلیمانی دراین‌باره گفت: «دوسالانه سرو نقره‌ای کاملا صنفی است، اما قاعدتا ما به‌عنوان انجمن صنفی نمی‌توانیم به تنهایی کارهای دوسالانه را پیش ببریم و به همین دلیل از حضور سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با گرافیک و هنرهای تجسمی استقبال می‌کنیم. در این زمینه، مدیرکل هنرهای تجسمی نیز قول مساعدت به ما داده‌اند و به نظر می‌رسد در آینده توافقاتی حاصل خواهد شد. درحال‌حاضر همه‌چیز در حد مذاکره است».

گیسوی نگار در پلتفرم‌های بین‌المللی

● **گروه هنر:** قطعه موسیقی «گیسوی نگار» که هم‌زمان با تولد علی سعیدی و محمد سعیدی (دوقلوهای آواز ایران)، در سایت‌های موسیقی داخل ایران منتشر شده بود، هفته گذشته نیز توانست در پلتفرم‌های بین‌المللی موسیقی نظیر اسپاتیفای، آی‌تونز، گوگل‌پلی، آمازون و ... توسط شرکت «شید رکوردرز» منتشر شود. قطعه «گیسوی نگار» به آهنگ‌سازی و تنظیم سینا فرزادی‌پور، کلام فیض‌الله نکویی‌دستجردی، میک